



شماره ثبت: ۳۱۶۶

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	نوحه برای میت
۲	مرور بر گذشته
۲	روایت پنجم
۲	بررسی روایت از لحاظ سند
۳	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۳	روایت ششم
۴	بررسی روایت از لحاظ سندی
۴	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۴	سه حکم روایت
۵	احتمالات در مورد «لاینبغی»
۵	حکم در «تُوذَى الْمَلَائِكَةُ بِالنُّوحِ»
۵	الغای خصوصیت از مرأ به رجل
۵	نکته ظریف



نوحه برای میت

مرور بر گذشته

بحث ما در عزاداری و شیون با سروصدا برای میت است. یک تفاوت اساسی در فقه خاصه و عامه وجود دارد. مشهور بین عامه حرمت است و مشهور بین خاصه، جواز است.

روایات باب ۱۷ از ابواب مایکتسب به را بررسی کردیم. روایات اول و دوم دلالت بر جواز می‌کرد. روایت سوم بنا بر احتمال جواز را بیان می‌کرد و بنا بر احتمالی حرمت را بیان می‌کرد. روایت چهارم بر حرمت دلالت می‌کرد.

روایت پنجم

این روایت نیز از کافی است.

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ الزَّعْفَرَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ النِّعْمَةِ بِمِزْمَارٍ فَقَدْ كَفَرَهَا وَ مَنْ أَصِيبَ بِمُصِيبَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ الْمُصِيبَةِ بِنَائِحَةٍ فَقَدْ كَفَرَهَا.»^۱

امام (ع) می‌فرماید: اگر کسی نعمتی پیدا کرد و با آثار لهو و لعب شادمانی کرد، کفران نعمت کرده است. در فراز دوم روایت می‌گوید اگر مصیبتی به وی وارد شود و زنی را آورد تا بر او نوحه بخواند، کفران مصیبت کرده است. در حقیقت این کفران عملی است. سروصدای غنایی را مقابل سروصدای هنگام مصیبت قرار داده است.

بررسی روایت از لحاظ سند

این سند تام نیست. عمر الزعفرانی مجهول است. توثیق ندارد.

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۷.



شماره ثبت: ۳۱۶۶

بررسی روایت از لحاظ دلالت

نکته‌ی اول که در روایت وجود دارد این است که «کفرها» دلالت بر حرمت می‌کند. این «کفرها» کفران عملی است. ممکن است در مورد کراهت به کار برود، اما این قرینه می‌خواهد.

نکته‌ی دوم این است که در روایت کفر در مقابل نعمت، یک کفران است. این قرینه در کفر معصیت این است کفر عملی است. کفر عملی یعنی عمل ما برخلاف عقیده مشروع است. احتمال دیگر این است که برای مجانست این دو تعبیر، کفر برای معصیت آورده است.

نکته سوم این است که در طرف نعمت و مصیبت، حرمت بر عمل غنا و ناهه مترتب نشده است، بلکه بر مقدمات آن مترتب شده است. کار مصیبت‌زده‌ای که شخصی یا اشخاصی را برای ناهه می‌آورد، مورد مذمت قرار گرفته است. موضوع کفران عملی، عمل ناهه و یا غنا نیست. مستقیم کفر و عصیان روی کار مصیبت‌زده یا صاحب نعمت آمده است. منتها روشن است که این ملازمه دارد باینکه غنا و ناهه حرام است. اینجا عنوان خاصی وجود ندارد، شاید از باب همان اعانه اثم است. مقدمه دو نوع معنا دارد: یک معنا همان اعانه است و یک معنای خاص در مقابل اعانه است. اعانه در نماز یعنی فراهم کردن آب برای نماز ولی فراهم کردن مقدمه به معنای خاص یعنی من خودم مقدماتی را فراهم می‌کنم برای اینکه نماز بخوانم.

نکته چهارم در روایت این است که مستقیماً حرمت اکتساب را بیان نمی‌کند، ولی بر اساس قاعده وقتی عملی حرام شود، اکتساب به آن نیز حرام است.

در نتیجه روایت چهارم و پنجم دلالت بر حرمت می‌کند، اما سنداً ضعیف هستند.

روایت ششم

«وَعَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَنْجَوِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ خَدِيجَةَ بِنْتِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَتْ سَمِعْتُ عَمِّي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ إِنَّمَا تَحْتَاجُ الْمَرْأَةُ إِلَى النَّوْحِ لِتَسِيلَ دَمْعَتَهَا وَلَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَقُولَ هُجْرًا فَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ فَلَا تُؤْذِي الْمَلَائِكَةَ بِالنَّوْحِ.»^۱

^۱ - همان.



شماره ثبت: ۳۱۶۶

خدیجه از عمویش امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند، امام (ع) فرمودند که زن به ناحه نیاز دارد تا اشکش جاری شود. این مانعی ندارد. به دلیل بعد عاطفی، نیاز به اشک ریختن دارد تا آرام بشود ولی شایسته نیست که کلمات بی‌ربط و باطل بگوید. مثلاً کفران خداوند بکند یا حرف‌های خلاف بگوید. عزاداری‌ها یک بعد روحی و عاطفی دارند. در شب ملائکه را به نوح آزار ندهید. ملائکه در شب آزار می‌بینند.

بررسی روایت از لحاظ سندی

از سند کاملاً بی‌اعتبار است. بعضی از افراد این روایت مجهول هستند و بعضی توثیق ندارند. وقتی در کافی، بعض اصحابنا می‌آید، نامعتبر است ولی وقتی عدة من اصحابنا می‌آید، معتبر است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

این روایت به‌عنوان طایفه‌ی مجوزه به شمار می‌آید. در حقیقت این روایت را طایفه سوم تلقی می‌کنیم. این روایت اصل ناحه را ایراد نگرفته است اما یک تفصیلی در آن جاری کرده است.

جواز این روایت در ابتدا به خاطر قاعده روان‌شناختی است که بیان می‌کند، شارع که این قاعده روان‌شناختی را تبیین می‌کند می‌گوید اشکالی ندارد حتی شاید ظهور در حسن نیز داشته باشد. اگر حسنی نیز استفاده نکنیم از نگاه مولوی قبحی ندارد و جواز دارد. از این روایت استفاده اباحه و جواز می‌شود.

در این روایت دو نکته اضافی وجود دارد:

۱. طبق قاعده در شیون و زاری حرف باطلی زده نشود.

۲. در شب ملائکه را با نوح آزار ندهید. این یک حکم جدید است.

سه حکم روایت

۱. جواز ناحه

۲. نگفتن حرف باطل در ناحه

۳. انجام ندادن ناحه در شب به خاطر آزار ملائکه



شماره ثبت: ۳۱۶۶

احتمالات در مورد «لاینبغی»

دو احتمال در لاینبغی داده شده است. یک احتمال این است که ظهور در کراحت دارد. احتمال دوم که اظهرتر است لا ینبغی یک کلمه مستحدث فی کلمات الفقها است. در معنای لغوی یعنی شایسته نیست و درست نیست. نفی شایستگی، ظهور در حرمت دارد.

«هجرا» یعنی باطل. اگر «لاینبغی» را ظهور در حرمت بگیریم و «هجرا» را نیز کارهای حرام بدانیم، حرام بودن حرفهای باطل و حرام است. اگر «هجرا» را به معنای باطل عام بگیریم یعنی اموری که کراحت دارد یا حرام هستند. در این صورت باید «لاینبغی» را به معنای مطلق بگیریم.

حکم در «تُؤْذَى الْمَلَائِكَةُ بِالنُّوحِ»

در اینجا معلوم نیست که صرف ایذاء ملائکه، دلالت بر حرمت بکند. بیشتر با کراحت سازگار است. از این کراحت نوحه در شب استفاده می‌شود. اکثر فقها نیز گفته‌اند در شب کراحت دارد.

الغای خصوصیت از مرأه به رجل

در اینجا امکان الغای خصوصیت ندارد. البته این که می‌گوییم در اینجا الغای خصوصیت نمی‌شود دلالت بر حرمت و کراحت بر مرد نمی‌کند، منتها میزان دلالت روایت بر جواز فقط برای زن است. الغای خصوصیت در اینجا نمی‌شود.

اگر این احتمال را بگوییم، روایت دوم نیز چنین است و فقط بر زنان دلالت می‌کند. روایت اول، اطلاق بر مرد و زن داشت ولی این روایت و روایت دوم، برای زنان است.

نکته ظریف

اگر منظور روایت را به شنیدن نوحه از دیگری باشد، مرد و زن را شامل می‌شود.